

نسبت‌سنجی قوانین و شرعیات در نظام جمهوری اسلامی ایران

safi@art.sku.ac.ir

s.m.jalali@sku.ac.ir

alitaheeridehnavi110@gmail.com

سعید صفی نسلمزاری / استادیار دانشگاه شهرکرد

سعید مجتبی جلالی / استادیار دانشگاه شهرکرد

علی طاهری دهنوی / کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹

چکیده

با پیشرفت زندگی و به وجود آمدن شرایطی که در زمان ابلاغ دین وجود نداشته است، نیاز به تدوین قانون از سوی شارع بیشتر احساس می‌شود. در عصر غیبت و بسته بودن ابواب علم، تدوین قانون، تفقه و اعلام حکم شارع در مسائل مستحدثه، به فقها واگذار شده است. همچنین در دورانی که حکومت اسلامی شیعیان پس از سالیان طولانی تشکیل شده است، نیاز به اجرای قوانین وضع شده از جانب شارع و تدوین قوانین برای موضوعات مستحدثه به وسیله فقها، بیشتر احساس می‌شود. پرسش اصلی پژوهش، چگونگی ایجاد تعامل میان شرع و قانون است که با روشی تحلیلی و توصیفی به پاسخ آن پرداخته شده است. به دلیل اهمیت تدوین قانون برای حکومت اسلامی، اندیشمندان فقه و حقوق بر آن شدند تا با بررسی شرعی بودن قوانین مصوب فقهای نهاد شورای نگهبان، مشکل شرعیات آن را رفع نمایند؛ از یافته‌های پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف. به دلیل گسترش مسائل روز و نیاز به تصویب قوانین جدید، گاه قوانینی به تصویب می‌رسند که پس از بررسی اجتهادی، نیاز به مطابقت آن با دین اسلام هست. به همین دلیل، فقهای شورای نگهبان بعضاً قوانینی را که مجلس برای تأیید به شورای نگهبان ارسال می‌دارد، فاقد شرایط شرعی می‌دانند و آنها را برای رفع اشکال و نقص به مجلس بازمی‌گردانند؛ ب. برخی از قوانین کارآمدی خود را از دست داده‌اند و به تصویب قوانین جدیدتر نیاز است. ج. با بررسی دقیق‌تر برخی قوانین، عدم مطابقت با دین اسلام در آنها دیده می‌شود که نیاز به اصلاح دارند.

کلیدواژه‌ها: شرع، قانون، شارع، نسبت، مجلس، شورای نگهبان.

درباره نسبت میان قانون و شرع در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید مفاهیم موجود در این زمینه را تعریف و مشخص کنیم، تا شبهاتی که درباره عناوین موضوعی وجود دارد، برطرف شود؛ و از طرفی، وجه اشتراک و افتراق آنها نمایان گردد؛ چراکه در تعاریف لغوی و اصطلاحی و همچنین در تعاریف مفهومی عناوین، می‌توان نسبت میان قانون و شرع را مشخص نمود. بنابراین ابتدا باید مفهوم شرع، قانون و همچنین شرایط ایجاد و تعامل آنها را بررسی کنیم. در این صورت می‌توانیم به سؤالاتی از این دست پاسخ دهیم: نسبت میان شرع و قانون چیست؟ قانون در وضعیت فعلی و در وضعیت مطلوب چگونه است؟ شرع در وضعیت مطلوب چگونه است؟

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. مفهوم‌شناسی تعریف شرع

شرع به معنای دین و مذهب راست و آشکار، دین و آیین و کیش و مذهب، و آیینی است که از جانب خداوند عالمیان توسط پیغمبران بر بندگان نازل شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل لغت شرع). در فرهنگ معین شرع به دو معنا آمده است: ۱. دین، ۲. روش آیین (معین، ۱۳۸۷، ذیل واژه شرع). در فرهنگ فارسی عمید این گونه معنا شده است: آیینی که خداوند برای بندگان روشن و آشکار ساخته؛ دین؛ مذهب (عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه شرع) همچنین به معنای: آشکار کرد، بیان نمود، تشریح کرد و به عنوان راهی واضح و ایمن از انحراف مشخص نمود، ذکر شده است (قمی، ۱۳۸۵، ذیل واژه شرع)، شرع: راه آشکارا؛ «شرعت له طریقاً»، یعنی راهی به او نمودم و آشکار کردم. شرع در اصل مصدر است؛ سپس اسم شده به راه آشکار؛ و به آن شرع (به فتح و کسر اول) و شریعت گفته شده و به‌طور استعاره به طریقه خدایی اطلاق شده است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۵) شرع و شریعت یعنی هر آنچه خداوند در دین برای بندگان مقرر داشته است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۲۳۶). در آیاتی از قرآن نیز دین به معنای قانون و شریعت است؛ مثل: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶) «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ» (توبه: ۳۳) (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۸۱) مفهوم شرع به معنای آن چیزی است که خداوند متعال برای بندگان خود وضع و تشریح کرده است. به شریعت، شرع، شریعت الهی، شریعت منزله و قانون الهی نیز گفته می‌شود و به مجموعه مسائل دینی، اعم از عقاید و اخلاق و احکام نیز «شریعت» گفته می‌شود؛ از این جهت که مایه حیات و طهارت کسانی است که آن را ببینند و سلوکی هماهنگ با آن داشته باشند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۸). شرع را به دو مفهوم به کار برده‌اند: اول به مفهوم قانون است و به این معنا غالباً با صیغه جمع به کار رفته است؛ دوم به معنای شرع اسلام که شامل امور ذیل است: امور اعتقادی، نظیر اعتقاد به وحدانیت حق تعالی و روز حشر و رسالت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و وجود فرشتگان و...؛ امور اخلاقی، که دربرگیرنده مستحبات و مکروهات و عبادات است؛ امور حقوقی، اعم از امور مدنی و کیفری و دیگر مسائل حقوقی، که در باب جهاد و مانند

آن گردآوری شده است. این بخش نیز بر دو قسم است: آنچه در نصوص متون شرعی به طور عام یا خاص بیان شده است (غفاری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷ - ۱۳۲).

۱-۲. تعریف قانون

قانون معرب کانون است؛ بنابراین عربی نیست، لیکن در عربی مستعمل است. قانون امری است کلی که بر همه جزئیاتش منطبق گردد و احکام جزئیات از آن شناخته شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه قانون). این کلمه در فرهنگ فارسی معین به چند معنا ذکر شده است: ۱. قاعده، آیین؛ ۲. اصل و مقیاس چیزی؛ ۳. مقررات و احکام دولتی (معین، ۱۳۸۷، ذیل واژه قانون). در فرهنگ فارسی عمید چنین معنا شده است: اسم معرب، مأخوذ از یونانی. جمع قوانین است و به معنای: ۱. دستورها، مقررات و احکامی که از طرف دولت و مجلس برای برقراری نظم و اداره کردن امور جامعه وضع شود؛ ۲. رسم، آیین، روش؛ ۳. اصل اثبات‌شده در یک علم. مفهوم قانون از لحاظ حقوقی، در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود.

معنای عام: مقصود از قانون، تمام مقرراتی است که از طرف یکی از سازمان‌های صلاحیت‌دار دولت وضع شده باشد. ممکن است این سازمان (مرجع) قوه مقننه، رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه باشد. بنابراین در معنای عام، طیف وسیعی از مقررات، قانون نامیده می‌شود و شامل تمام مصوبات مجلس، تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های اداری می‌شود.

معنای خاص: قانون به قواعدی گفته می‌شود که با تشریفات مقرر در قانون اساسی، توسط مجالس قانون‌گذاری وضع می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران، تصویب قانون به معنای خاص، فقط در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. اصل ۵۸ قانون اساسی در این زمینه اشاره دارد: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود...». دست یافتن به یک تعریف واحد و معین از قانون، دشوار است؛ اما در تعریف آن، باید پنج وصف یا خصوصیت وجود داشته باشد: ۱. کلیت و عمومیت داشته باشد؛ ۲. الزام‌آور باشد؛ ۳. تنظیم‌کننده روابط اجتماعی باشد؛ ۴. عادلانه باشد؛ ۵. اجرای آن از طرف دولت تضمین شده باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴). بنا بر این اوصاف، قانون را می‌توان چنین تعریف کرد: قانون عبارت است از قاعده کلی و الزام‌آوری که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

۲. نسبت میان قانون و شرع در نظام جمهوری اسلامی ایران

برای تشخیص نسبت میان قانون و شرع در نظام جمهوری اسلامی ایران، نیاز به بررسی وجه اشتراک و وجه افتراق این دو مفهوم است؛ به همین دلیل ابتدا وجه اشتراک و سپس وجه افتراق این دو را بررسی می‌کنیم.

۲-۱. وجه اشتراک میان قانون و شرع

وجه اشتراک این دو را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد: ۱. ریشه مشترک؛ ۲. هدف مشترک؛ ۳. رفتار مشترک؛ ۴. هم‌پوشانی. در ادامه به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۲. ریشه مشترک

قانون در جمهوری اسلامی پایه در شرع دارد؛ به این صورت که قوانین تصویب شده در مجلس شورای اسلامی باید بر اساس معیار شرع نزد فقهای شورای نگهبان به تأیید برسد؛ و همچنین تطابق آن با قانون اساسی نیز باید مورد تأیید حقوقدانان شورای نگهبان قرار گیرد؛ البته خود قانون اساسی نیز مشروعیت و مقبولیت خود نزد مردم را از شرع گرفته است. همان‌طور که در اصل ۲ قانون اساسی آمده است: جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ عدل خدا در خلقت و تشریح؛ و امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی... و اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین (علیهم‌السلام) و... در این اصل، ریشه نظام جمهوری اسلامی و قانون‌گذاری و حاکمیت در آن، به اصول دین و اجتهاد فقهای جامع‌الشرایط برمی‌گردد و با وجود این شرایط، محرز است. همچنین در اصل ۴ قانون اساسی با اشاره به منبع و ریشه مشترک بین قوانین تدوین‌شده در جمهوری اسلامی و اسلام، صریحاً اعلام می‌کند: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان می‌باشد. بر اساس این اصل قانون اساسی، همان‌گونه که اشاره شد، خود قانون اساسی و قوانین دیگر در جمهوری اسلامی اطلاقاً و عموماً باید برگرفته از شرع مقدس و بر اساس موازین آن باشند و بررسی شرعی بودن قوانین، بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

۲-۱-۲. هدف مشترک

هدف شرع مقدس، یعنی دین مبین اسلام، هدایت جامعه بشری به سمت تکامل، پیشرفت، تعالی و تشکیل مدینه فاضله‌ای است که هر مسلمان و مؤمنی بتواند در آن آزادانه و به‌دور از استکبار و ستم دیگران و در عدالت کامل به هدف اصلی خود، یعنی تکامل به‌وسیله عبادت خدا و رسیدن به قرب و رضای الهی در دنیا و عقبی، شکوفایی استعدادها و استفاده صحیح از ظرفیت‌های بشری، همچون فناوری‌ها و تجارب پیشرفته، و رسیدن به استقلال اقتصادی و سیاسی و... دست یابد تا بتواند با فضایل اخلاقی در پرتو ایمان به خدا نمونه حکومت صالحان را به جهانیان نشان دهد. در قانون جمهوری اسلامی نیز بر این اهداف تأکید شده است و در صدر قوانین، یعنی در

اصل ۲ قانون اساسی به چشم می‌خورد. در این اصل چنین آمده است: «جمهوری اسلامی... کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا... استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها، نفی هرگونه ستمگری و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل، و استقلال سیاسی و استقلال فرهنگی و همستگی ملی را تأمین می‌کند». همچنین در اصل ۳ قانون اساسی برای مشخص شدن این موضوع که هدف نظام اسلامی و قوانین آن، همان هدف و قوانین اسلام است، چنین آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی... محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون و...».

۳-۱-۲. رفتار مشترک

منظور این است که دین مبین اسلام و به تبع آن، قوانین جمهوری اسلامی - که نشئت گرفته از آن است - در بسیاری از موارد به طور مشابه عمل می‌کنند؛ درحالی‌که در بعضی موارد نیز تفاوت دارند؛ مثلاً شیوه مجازات در هر دو، در بسیاری از موارد مشابه است. این نیز به دلیل تأیید قوانین جمهوری اسلامی ایران به وسیله فقهای شورای نگهبان است که نماینده اسلام‌اند. برای نمونه، مجازات زنا، کذف، محاربه، افساد فی الارض و... در هر دو مشابه است؛ چنان‌که ممکن است در بعضی موارد به علت مصالح برتر، مجازاتی که در شرع اعلام شده است، در قانون معلق بماند و مجازات دیگری به‌عنوان عدل و بدیل آن اجرا شود؛ چنان‌که در مسئله سنگسار، به علت حساسیت بین‌المللی این موضوع، انجام این مجازات معلق مانده است و به‌جای آن اعدام اجرا می‌شود. از باب نمونه، یک مورد را بررسی می‌کنیم و آن حد زناست که در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۲۴ حد زنا در موارد زیر اعدام است: الف) زنا با محارم نسبی؛ ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است؛ پ) زنا با زن غیرمسلمان یا زن مسلمان که موجب اعدام زانی است؛ ت) زنا با زن عفت یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است؛ اما در شرع بر اساس فتوای حضرت آیت‌الله‌العظمی ابوالقاسم موسوی خوئی مجازات زنا چنین ذکر شده است: اگر کسی با یکی از محرم‌های خود، مثل مادر و خواهر - که با او نسبت دارند - زنا کند، به حکم حاکم شرع باید او را بکشند؛ همچنین است اگر مرد کافر با زن مسلمان زنا کند؛ و در اخبار بسیار وارد شده است که انجام دادن یکی از حدها باعث می‌شود که مردم کار نامشروع نکنند و دنیا و آخرت آنان را حفظ می‌کند و منفعتش برای آنان بیشتر است از چهل روز باران ببارد (خوئی، ۱۳۸۰، مسئله ۲۷۹۴).

پس رفتار مشترک قانون و شرع، در تعیین بایدها و نبایدهاست؛ به این صورت که هم قانون و هم شرع به دنبال تعیین بایدها و نبایدهایی هستند تا مکلفین و افرادی که موظف به رعایت قوانین‌اند، با رعایت چنین هنجارهایی دچار ناهنجاری و بی‌عدالتی نشوند و جامعه با مفاسد اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جنایی روبه‌رو نشود.

۴-۱-۲. هم‌پوشانی

هم‌پوشانی در اینجا به این معناست که مفهوم و معنای شرع عام بوده و قانون جمهوری اسلامی خاص این قانون است و با قوانین شرع هم‌پوشانی دارد؛ به این صورت که بر اساس اصول دوم و سوم قانون اساسی قوانین باید بر اساس شرع و موازین آن تدوین شوند؛ و از طرفی الزام به رعایت موازین شرعی برای بسیاری از افراد به دلیل عدم احاطه کامل قوهٔ عقل بر ملاک‌های شرع، این وظیفهٔ مهم، یعنی حمایت اجبار اجرای احکام شرعی، به عهدهٔ قانون است و بدین سان، قانون با هم‌پوشی شرع باعث اعتلای این مفاهیم می‌شود.

۲-۲. وجه افتراق میان قانون و شرع

برخی از وجوه افتراق بین قانون و شرع را می‌توان چنین برشمرد: ۱. تفاوت در واضح؛ ۲. تفاوت در ماهیت؛ ۳. تفاوت در مجری و ناظر و مفسر؛ ۴. تفاوت در مراتب؛ ۵. تفاوت در مکلفین؛ ۶. تفاوت در تعلیم و یادگیری؛ ۷. تفاوت در نحوهٔ انتشار؛ ۸. تفاوت در فراگیری و شمول.

۱-۲-۲. تفاوت در واضح

در ابتدا باید واضح قوانین شرعی را از واضح قوانین جمهوری اسلامی تمایز داد؛ چراکه بسیاری از قوانین به علت تفاوت در واضح و هدفشان از الزام یا نهی، در اجرا نیز متفاوت عمل می‌شوند؛ برای مثال، اجرا و الزام در زمینهٔ طهارات و نجاسات در دین اسلام و از منظر شارع حکیم در قالب احکام پنج گانهٔ واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح ذکر شده است؛ ولی در قانون توجهی به الزام یا نهی در چنین احکامی دیده نمی‌شود و این به دلیل تفاوت در واضح قوانین است. به همین دلیل ابتدا باید مشخص کنیم که واضح قوانین شرع چه کسی است؛ سپس واضح قوانین جمهوری اسلامی را مشخص نماییم.

الف) واضح قوانین شرع

شارع به معنای واضح قوانین شریعت (مجموع تکالیف و فرمان‌های الهی)، خدای متعال، و به معنای تبیین و تفسیرکنندهٔ شریعت، رسول اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند. در فقه، شارع به هر دو معنا اطلاق شده است (قمی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۳۶). بی‌شک «شارع» خداوند متعال است. قرآن کریم می‌فرماید: «عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَا جَا» (مائده: ۴۸)؛ برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم؛ «همچنین در آیهٔ دیگر می‌فرماید: «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» (انعام: ۵۷)؛ بگو من از جانب پروردگارم دلیل آشکاری [همراه] دارم؛ ولی [شما آن را دروغ پنداشتید و] آنچه را به شتاب خواستار آن هستید، در اختیار

من نیست. فرمان جز به دست خدا نیست که حق را بیان می‌کند و او بهترین داوران است». طبق این آیات، خداوند شارع حکیم است که مالک انسان‌ها و همه مخلوقات بوده و برای آنها و برای رسیدنشان به هدف نهایی، قوانینی را وضع می‌کند. همان‌گونه که در حیوانات قوانین به‌صورت غریزی وجود دارد و هر حیوانی ناخودآگاه با این قوانین به دنیا می‌آید، رشد می‌نماید، زندگی می‌کند و سرانجام می‌میرد، برای انسان‌ها این قوانین ملموس‌تر، حساس‌تر و دقیق‌تر است؛ چراکه انسان اشرف مخلوقات و دارای قوه عاقله است و می‌تواند تصمیم‌گیری و انتخاب کند و سعادت و شقاوتش به دست خود اوست. به همین دلیل، خداوند که خالق تمام مخلوقات است، شیوه زندگی و قانون حاکم بر زندگی ایشان را برایشان تبیین می‌کند تا به هدف غایی برسند. همان‌گونه که در حیوانات به‌وسیله غریزه و عوامل طبیعی هدایت می‌کند، در بین انسان‌ها به‌وسیله پیامبر درونی یعنی عقل، و پیامبر بیرونی یعنی انبیا، این قوانین را بیان می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (حشر: ۷)؛ و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیری؛ و از آنچه شما را بازداشت، باز ایستید و از خدا پروا بدارید، که خدا سخت کیفر است»؛ همچنین می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (نجم: ۳-۴)؛ و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن به‌جز وحی‌ای که وحی می‌شود، نیست». خداوند در این آیات در ابتدا شارع بودن خود را اولاً و بالذات یادآور می‌شود و شارع بودن رسول را در طول شارع بودن خود می‌داند و می‌فرماید: آنچه پیامبر وضع می‌کند، همان حکم خداست؛ و شارع بودن خدا اصیل است و شارع بودن رسول فرع است و در طول شارع بودن خداست؛ به این معنا که رسول از جانب خود شارع نیست، بلکه آنچه می‌فرماید، برگرفته از وحی الهی و آموختگی از علم الهی است و خداوند رسول خود را به نیکوترین ادب، ادب آموخت. در قرآن به این موضوع چنین اشاره می‌کند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم: ۴)؛ و راستی که تو را خوبی والاست». در این باره امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَبٌ نَبِيَّهُ فَاحْسَنَ آدَبُهُ فَلَمَّا اكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الَّذِينَ وَالْأُمَّةَ لِيَسُوسَ عِبَادَةَ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا» وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ مُسْتَدَادًا مُوقِفًا مُؤِيدًا بَرُوحَ الْقُدْسِ لَا يَزَالُ وَلَا يَخْطِي فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوسُ بِهِ الْخَلْقَ (کلینی الرازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۶۶؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۴).

خدای عزوجل پیامبرش را تربیت کرد و چه نیکو تربیت کرد. پس هنگامی که مراتب ادب را برای آن حضرت تکمیل نمود، فرمود: «همانا تو بر اخلاقی والا استوار هستی»؛ سپس امر امت و دین را به او واگذار کرد تا بر بندگانش حکومت کند؛ و فرمود: «آنچه پیامبر برای شما آورد، بگیری؛ و از آنچه شما را نهی نمود، اجتناب ورزید»؛ و همانا پیامبر که درود خدا بر او و آتش باد، موفق بود و با تأییدات روح القدس مؤید بود که هرگز راه خطا نمی‌پیمود و در اداره امور مردم هیچ اشتباه نمی‌کرد.

همچنین خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا (نساء: ۸۰)؛ هر کس از پیامبر فرمان ببرد، در حقیقت خدا را فرمان برده است؛ و هر کس رویگردان شود، ما تو

را برایشان نگهبان نفرستاده‌ایم» و اطاعت از پیامبر را اطاعت از خدا می‌داند. به این طریق، اثبات شارع بودن رسول اکرم ﷺ نیز مشخص شد.

درباره اینکه معصومین ﷺ نیز شارع محسوب می‌شوند، با اثبات امامت - که در مباحث کلامی بسیار بررسی شده است - مشخص است همان‌گونه که شارع بودن رسول در طول شارع بودن خداست، شارع بودن امامان ﷺ نیز در طول شارع بودن رسول الله ﷺ می‌باشد و بر حسب روایات متعدد، مقام ولایت تشریحی برای امامان ﷺ نیز ثابت است (کلینی الرازی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۸). به همین دلیل، در اسلام در احکام، «فرض الله» و «فرض الرسول» وجود دارد. پس مشخص شد که شارع عبارت است از: خداوند، پیامبر ﷺ و معصومین ﷺ.

ب) واضع قوانین در جمهوری اسلامی ایران

به واضع قوانین در جمهوری اسلامی ایران قانون‌گذار می‌گویند. مطابق آنچه که در جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود، برخی مراجع دارای صلاحیت قانون‌گذاری، در حیطه صلاحیتی خاص، از جایگاهی برتر از مجلس شورای اسلامی برخوردار شده‌اند؛ مانند مجلس خبرگان رهبری؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ شورای عالی امنیت ملی؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی. این مراجع که حیطه اختیار قاعده‌گذاری آنها محدودیت بیشتری دارد و عمدتاً به موضوعی خاص اختصاص می‌یابند، مصوباتشان از جایگاهی برتر از قانون عادی برخوردار است. در مراتب بعدی، مجلس شورای اسلامی یا همان قوه مقننه است که قوانین عادی را تصویب می‌کند؛ همچنین دولت در اداره تشکیلات خود، از مصوبات هیئت وزیران، مصوبات هیئت‌های متشکل از چند وزیر، مصوبات شوراهای دولتی، مصوبات هر یک از وزیران، ضوابط مصوب سایر دستگاه‌های اجرایی، آیین‌نامه‌ها، نظام‌نامه‌ها و... استفاده می‌کند. به‌طور کلی، سلسله‌مراتب قواعد حقوقی در نظام حقوقی کشورمان را می‌توان به ترتیب اولویت و برتری، به شرح زیر دانست: ۱. فرامین رهبری؛ ۲. قانون اساسی و نظرات تفسیری شورای نگهبان؛ ۳. سیاست‌های کلی نظام؛ ۴. مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات شورای عالی فضای مجازی، مصوبات شورای عالی امنیت ملی، و مصوبات مجلس خبرگان رهبری؛ ۵. قوانین عادی، نتایج همه‌پرسی تقنینی، و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که ایران به آنها پیوسته است؛ ۶. مصوبات هیئت‌وزیران، مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر و مصوبات شوراهای دولتی؛ ۷. مصوبات هر یک از وزیران؛ ۸. ضوابط مصوب سایر دستگاه‌های اجرایی (نورایی، ۱۳۹۲، ص ۱۷). می‌بینیم که در نظام جمهوری اسلامی ایران واضع قوانین در همه حیطه‌ها بسیار متفاوت است و هر نهاد و ساختاری دارای نظام قانون‌گذاری است که البته طبق اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

باین‌حال، این تفاوت واضح و مبرهن است که واضع قوانین شرعی به‌طور مستقیم خداوند است و هر قانونی که در شرع وضع شده، تماماً مورد تأیید خداوند است؛ ولی قوانینی که در نظام جمهوری اسلامی وضع و اجرا می‌شوند، ممکن است تماماً مورد تأیید خداوند نباشد؛ چراکه این قوانین بشری بوده و از جانب بشر غیر معصوم و غیر مرتبط با وحی صادر شده و این تفاوت اصلی در واضع است.

۲-۲-۲. تفاوت در ماهیت

در ماهیت قوانین شرع و قوانین جمهوری اسلامی ایران تفاوت وجود دارد. منظور از تفاوت در ماهیت، تفاوت در ساختار تمرکز قوانین است؛ مثلاً قوانین شرع در تمامی حیطه‌های فردی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند و تمامی اعمال مکلفین را، چه اعمال دنیایی و چه اعمال اخروی فرد، حتی جامعه را دربرمی‌گیرد؛ از کوچک‌ترین عمل تا بزرگ‌ترین عمل را مورد توجه قرار می‌دهد و برای هر عملی حکم معینی تعیین کرده و احکام کلی را به حکم تکلیفی و حکم وضعی تقسیم نموده که خود حکم تکلیفی به پنج قسم واجب، مستحب، مباح، حرام و مکروه تقسیم شده است. حکم تکلیفی می‌تواند در یک مورد واحد، برای دو نفر یکسان یا متفاوت باشد؛ مثل نمازهای پنج‌گانه روزانه که برای همه مکلفین، اعم از سالم و مریض، جوان و پیر حکم یکسانی دارد؛ اما تکلیفی مثل روزه ماه رمضان برای مکلف مریضی که روزه گرفتن برای او ضرر دارد، حرام، اما برای مکلفی که سالم است، واجب می‌باشد. غیر از احکام تکلیفی، بقیه احکام را احکام وضعی می‌نامند؛ مانند طهارت و نجاست، صحت و بطلان، مالکیت، زوجیت و... جامعیت قوانین شرع در احکام نسبت به قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران به‌وضوح روشن است؛ چراکه قوانین نظام اسلامی در بسیاری از مواردی که شرع حکم مشخص و معینی برای تکلیف فرد قرار داده است، ورود پیدا نکرده و این مسائل را جزء مسائل فردی شخص قرار داده‌اند و تنها در صورت وجود شاکی خصوصی قابلیت پیگیری برای آنها پیش‌بینی شده است و چه بسا اصلاً قانونی درباره آنها وجود ندارد؛ همانند بسیاری از احکام تکلیفی واجب یا مستحب یا حرام یا مکروه؛ مثلاً ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد؛ و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». طبق این ماده از قانون مجازات اسلامی، تنها زمانی عمل حرام یا تظاهر به آن مشمول مجازات است که علنی باشد. این در حالی است که هر عمل حرامی در شرع دارای مجازات است؛ در ابتدا مجازات دنیوی همچون حد یا تعزیر پیش‌بینی گردیده و در مرحله بعد مجازات اخروی نیز برای آن در نظر گرفته شده است. غالب فقهای عامه و خاصه از قدما و معاصرین اتفاق نظر دارند که هر کس معصیتی کند و حد و کفاره‌ای برای آن مشخص نشده باشد، تعزیر می‌شود. بنا بر این دیدگاه، همه محرمات شرعی بدون کیفر و مجازات است و گستره

مجازات، همهٔ محرمات و معاصی شرعی، اعم از انجام (قابل تعزیر) معین عمل حرام یا ترک واجب را فرا می‌گیرد. فقها در شرح و بسط این قول بسیار تلاش کرده و مثال‌ها و مصادیق فراوانی برای آن ذکر کرده‌اند (آیتی، ۱۳۸۷، ص ۹-۳۵). همچنین در طهارات و نجاسات یا در مستحبات و مکروهات، در بسیاری از موارد قانون ورود نمی‌کند؛ همین‌طور در مباحث عبادی. این در حالی است که در اسلام برای آنها حکم مشخص وجود دارد؛ برای مثال، قانون دربارهٔ تارک‌الصلوة که علناً اظهار به ترک نماز نکند، مجازاتی تعیین نکرده و برای کسی که علناً اظهار به ترک نماز کند، حکم به تعزیر داده است؛ درحالی که در منابع اسلامی و فقهی برای شخص تارک‌الصلوة، چه علناً اظهار نماید یا ننماید؛ مجازات مشخص شده؛ و این موضوع مهمی است؛ چراکه در جامعهٔ امروز مشاهده می‌شود که بسیاری از افراد در جامعهٔ اسلامی زندگی می‌کنند و از مزایای بیت‌المال مسلمین و حکومت اسلامی و خدمات آن بهره می‌برند و حتی گاه در برخی مناسب حکومتی و دولتی ورود پیدا می‌کنند، ولی نماز را عمداً نمی‌خوانند. این در حالی است که در احکام اسلام، رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَا بَيْنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ (ابن‌بابویه، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱)؛ بین کفر و ایمان چیزی نیست، مگر ترک نماز». عبیدین زراره گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ گناهان کبیره پرسیدم. فرمودند: آنها در کتاب علی علیه السلام، هفت مورد است: کفر به خدا، آدم‌کشی، عقوق والدین (نافرمانی پدر و مادر)، خوردن ربا بعد از دانستن، خوردن مال یتیم به ناحق، فرار از جهاد، تعرب (تعصب عربی داشتن) بعد از هجرت. عبید گوید: عرض کردم: اینها بزرگ‌ترین گناهان‌اند؟ امام فرمودند: آری. عرض کردم: آیا گناه خوردن یک درهم از مال یتیم به ناحق بزرگ‌تر است یا ترک نماز؟ امام فرمودند: ترک نماز. عرض کردم: شما که ترک نماز را از گناهان کبیره نشمردید؟ امام فرمودند: نخستین چیزی که به تو گفتم، چه بود؟ عرض کردم: کفر. امام فرمودند: تارک نماز کافر است؛ یعنی ترک نماز بدون علت و عذر (کلینی الرازی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۷۹). بنا بر این روایت، کسی که نماز را نمی‌خواند، چه اظهار نماید و چه اظهار ننماید، تفاوتی با کافر نمی‌کند و مشخص است که کافر نباید از اسلام بهره‌برد. این تنها یکی از موارد بسیاری است که در تفاوت قانون با شرع دیده می‌شود؛ چراکه ماهیت قوانین شرعی، ماهیت الهی و تکوینی - تشریحی دارد و نیاز به اصلاح و تکمیل شدن ندارد؛ ولی قوانین مصوب در جمهوری اسلامی ماهیت بشری دارد و محدود و نیازمند به اصلاح است.

۳-۲-۲. تفاوت در مجری و ناظر و مفسر

در شرع، مجری قوانین شرعی خود مکلفین‌اند و ناظر این قوانین عبارت‌اند از: الف) خداوند و پیامبران و امامان؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا قَسِيرَى اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ وَاسْتَرْذُوْنَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ قِيْبَتِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ (توبه: ۱۰۵)؛ و بگو [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان (ائمهٔ اطهار) در کردار شما خواهند نگرست و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار باز گردانیده می‌شوید. پس ما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد». «كَيْفَ اِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هٰؤُلَاءِ شَهِيدًا

(نساء: ۴۱)؛ پس چگونه است [حالشان] آن‌گاه که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر آنان گواه آوریم؟» (ب) فرشتگان؛ چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (ق: ۲۱)؛ و هر کسی می‌آید [درحالی که] با او سوق‌دهنده و گواهی‌دهنده‌ای است؛ (ج) اعضای بدن انسان: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نور: ۲۴)؛ در روزی که زبان و دست‌ها و پاهایشان بر ضد آنان برای آنچه انجام می‌دادند، شهادت می‌دهند» (د) زمان و زمین: «وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (زلزال: ۳-۴)؛ و انسان گوید: [زمین] را چه شده است؟ آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید».

مفسر قوانین الهی و بیان‌کننده این قوانین هم پیامبر ﷺ و ائمه معصومین  هستند؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب: ۴۵-۴۶)؛ ای پیامبر! ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم و دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک». به عبارت دیگر، کسی که قاضی است، در اعمال قوانین شرع، خود شاهد و ناظر و مفسر است. البته در حیطة حکومت، مجری و ناظر و مفسر قوانین شرع، پیامبر ﷺ و معصومین  و نایب خاص و عام ایشان است که در زمان غیبت امام عصر عجل‌تعالیه نایب عام ایشان همان ولی فقیه می‌باشد؛ اما در جمهوری اسلامی ایران، مجری قانون قوه مجریه است. طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

درباره ناظر، از نظر شورای نگهبان سه نوع نظارت وجود دارد: ۱. نظارت استطلاعی که در آن، هدف اطلاع و آگاهی ناظر است؛ چون اطلاع ناظر می‌تواند جلوی خلاف‌های بسیاری را بگیرد. مجلس شورای اسلامی چنین نظارتی دارد که شامل اطلاع مردمی، سؤال از وزیر و رئیس‌جمهور و تحقیق و تفحص از سازمان‌ها و وزارتخانه‌های زیرمجموعه آنهاست؛ ۲. نظارت استرجاعی، که ارجاع به مرجع رسیدگی صلاحیت‌داری، مانند مرجع قضایی است؛ ۳. نظارت استصوابی که همراه با رأی نهایی است و از اتلاف وقت و امکانات جلوگیری می‌شود. مجلس شورای اسلامی دارای چنین نظارتی است؛ مانند: نظارت بر معاهدات و قراردادهای بین‌المللی؛ نظارت بر تغییر خطوط مرزی؛ نظارت بر برقراری حالت فوق‌العاده و محدودیت‌های ضروری؛ نظارت بر صلح دعوی مالی دولت یا ارجاع آن به داور؛ و نظارت بر دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به خارجیان.

ناظر بر اجرای قوانین، طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه است و بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی، شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد؛ اما درباره تفسیر، بر اساس اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود و طبق اصل

۷۳ قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل، مانع از تفسیری که دادستان، در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کند، نیست. طبق اصل ۱۶۷ و اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قضات دادستان نیز در مقام صدور حکم و تمیز حق، می‌توانند قوانین را تفسیر کنند.

۲-۲-۴. تفاوت در مراتب

منظور از تفاوت در مراتب، تفاوت در اهمیت قوانین است. در جمهوری اسلامی ایران، قانون را از جهات گوناگون تقسیم کرده اند که از جمله آنهاست، قانون عام و خاص و مجمل و مبین و نظایر اینها؛ ولی مقصود از این طبقه‌بندی، بیان سلسله مراتبی است که از جهت اعتبار و قدرت بین مقررات حقوق نوشته وجود دارد. به این اعتبار، قوانین را به سه گروه مهم می‌توان تقسیم کرد: قانون اساسی، قوانین عادی، و احکام و نظامنامه‌های قوه مجریه که در عرف اداری ما تصویب‌نامه و آیین‌نامه و بخشنامه نامیده می‌شود. در داخل این دسته نیز درجه‌های گوناگون وجود دارد؛ چنان‌که بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی که به امضای وزرا یا استانداران می‌رسد، نباید با تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران مخالف باشد؛ ولی درجه‌ها از نظر اهمیت، جنبه فرعی و ثانوی دارد.

۲-۲-۵. تفاوت در مکلفین

مکلف از نظر شرع یک تعریف، یک وظیفه و یک محدوده سنی خاص دارد و در قانون تعریف دیگری. ابتدا مکلف را از منظر شرع و سپس از منظر قانون تبیین می‌کنیم. تکلیف، اصطلاحی فقهی و کلامی به معنای وظیفه دینی یا وظیفه‌ای است که از ناحیه دین بر عهده بندگان نهاده می‌شود و انجام دادن کاری یا ترک کاری بر او واجب می‌گردد. شرایط تکلیف عبارت است از: ۱. عاقل بودن؛ بنابراین، دیوانگان در انجام واجبات الهی وظیفه ندارند. ۲. بلوغ؛ بنابراین، افراد غیر بالغ، مانند اطفال و پسران زیر پانزده سال و دختر زیر نه سال تکلیف ندارند. نشانه‌های بالغ شدن در پسران یکی از سه چیز است: ۱. رویدن موی درشت و خشن زیر شکم (اطراف آلت تناسلی)؛ ۲. بیرون آمدن منی؛ ۳. تمام شدن پانزده سال قمری (نوری همدانی، ۱۳۸۶، مسئله ۲۲۲۵؛ وحیدخراسانی، ۱۳۹۱، مسئله ۲۳۰۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۸، مسئله ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰؛ همه مراجع، به جز آیت‌الله سیستانی). نشانه‌های بالغ شدن دختران نیز یکی از سه چیز است: ۱. رویدن موی درشت و خشن زیر شکم (اطراف آلت تناسلی)؛ ۲. بیرون آمدن منی؛ ۳. تمام شدن نه سال قمری. هر یک از این سه نشانه، به تنهایی علامت بلوغ و رسیدن به حد تکلیف شرعی محسوب می‌شود (نوری همدانی، ۱۳۸۶، مسئله ۲۲۲۵؛ وحیدخراسانی، ۱۳۹۱، مسئله ۲۲۴۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۸، مسئله ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰). آیت‌الله سیستانی نشانه بلوغ در دختر را تنها به تمام شدن نه سال قمری می‌داند (حسینی سیستانی، ۱۳۹۰، مسئله ۲۲۵۲). ۳. اختیار؛ بنابراین کسی که از خود هیچ‌گونه اختیاری در به‌جا آوردن دستورات الهی ندارد، تکلیف هم ندارد. ۴. قدرت و توانایی؛ بنابراین شخصی که به‌طور کلی از انجام وظایف الهی

ناتوان است، تکلیف ندارد. البته اگر به انجام برخی وظایف توانا باشد، نسبت‌به همان مقدار مکلف است؛ چراکه تکالیف الهی هیچ‌گاه بالاتر از میزان توانایی بشر نیست. پس از رسیدن به این شرایط، دیگر تمامی احکام اسلام بر شخص مکلف محاسبه می‌شود. واجبات بر او واجب می‌گردد و در صورت ترک آنها مؤاخذه و عذاب و تعزیر می‌شود. محرمات نیز بر او حرام می‌گردد و در صورت انجام آنها عذاب و مؤاخذه و تأدیب و تعزیر می‌شود.

اما در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، طبق ماده ۱۲۰۹، هر کس که دارای هجده سال تمام نباشد، در حکم غیر رشید است؛ با این حال، در صورتی که بعد از پانزده سال تمام رشد کسی در محکمه ثابت شود، از تحت قیمومت خارج می‌شود. البته این ماده بعد از اصلاحات حذف شد و طبق ماده ۱۲۱۰ هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ، با عنوان جنون یا عدم رشد، محجور نمود؛ مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. تبصره ۱. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است (الحاقی ۸/۱۰/۶۱). تبصره ۲. اموال صغیری را که بالغ شده است، در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد. در امور کیفری، طبق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، سن مسئولیت کیفری هجده سال است؛ و درباره سن قانونی ازدواج، طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، برای دختر سیزده سال تمام شمسی و برای پسر پانزده سال تمام شمسی است. ملاحظه می‌شود که طبق قانون، سن در هر مورد خاص تفاوت می‌کند و قانون در برخورد با افراد در سنین مختلف، طبق رسیدن به سن قانونی حکم خاصی دارد.

۲-۲-۶. تفاوت در تعلیم و یادگیری

روش تعلیم قوانین دین و شرع، از ابتدای ظهور اسلام در خانواده‌ها نهادینه شد و تا به امروز ادامه دارد و هر خانواده مسلمان، آداب و قوانین و حرام و حلال دین را به فرزندان خود آموزش می‌دهد؛ به همین دلیل، فراگیری آموزه‌های دینی به‌صورت خودکار در جامعه اسلامی در خانواده‌ها و فرهنگ‌های متفاوت در طول زندگی توسط فرد صورت می‌پذیرفت. این روش سنتی تعلیم قوانین شرع بوده است و هر شخصی بسته به نحوه زندگی و خانواده خود، سطحی از آموزه‌ها و معلومات دینی را دارا بود. همچنین این تعلیم می‌توانست در دوره‌های تحصیلی توسط مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌ها در قدیم و آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و مراکز تخصصی با رشته‌های جزئی و دقیق، همچون فقه و قرآن، علوم قرآن و حدیث و فلسفه، به‌صورت نوین و نظام‌مند نیز ادامه پیدا کند؛ ولی نحوه تعلیم قوانین و یادگیری قوانین در جمهوری اسلامی به دلیل سبقه کمی که دارد و به علت قوانین فراوان در شاخه‌های متفاوت، به یک نظام آموزشی خاص نیاز دارد که دانشگاه‌های کشور و حوزه‌های علمیه در این زمینه پیش‌قدم شده‌اند و رشته‌های تخصصی از حقوق در گرایش‌های مختلف، همچون حقوق جزا، عمومی، تجارت، مدنی و... در مقاطع مختلف تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکتری ایجاد شده است. شمول یادگیری قوانین شرع و پایبندی به آن، به دلیل سابقه طولانی و همچنین نهادینه شدن در خانواده‌ها، بسیار بیشتر از یادگیری قوانین

جمهوری اسلامی است و به همین دلیل، نحوه تعلیم قوانین شرع و قوانین جمهوری اسلامی، هم از نظر تاریخی، هم از نظر علمی و تجربی و هم از نظر حیطة گسترش بسیار با هم متفاوت‌اند. به فراگیران علم قوانین شرع و استنباط آن، فقیه و مجتهد، و به فراگیران علم قانون، حقوقدان می‌گویند.

۷-۲-۲. تفاوت در نحوه انتشار

قوانین شرع به وسیله مراجع تقلید استنباط می‌گردند و در رساله‌های ایشان تحت عنوان رساله توضیح‌المسائل و همچنین رساله‌های جامع‌المسائل و استفتائات منتشر می‌شوند و هر شخص مکلف باید رساله مرجع خود را تهیه و طبق فتاوی ایشان عمل کند و از قوانین شرع مطلع شود و در مسائل مستحدثه نیز می‌تواند از مرجع خود استفتا نماید؛ ولی قوانین جمهوری اسلامی به موجب اصل ۵۸ قانون اساسی، جز در موارد رجوع مستقیم به آرای عمومی، به وسیله قوه مقننه و از طریق مجلس شورا وضع می‌شود. درباره آیین وضع قانون، مجلس تصمیم می‌گیرد؛ ولی «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود» (اصل ۶۹ قانون اساسی). قانون پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به وجود می‌آید و امضای رئیس‌جمهور آن را به صورت قاعده قابل اجرا درمی‌آورد و فقط از این تاریخ است که مأموران قوه مجریه و قضائیه و افراد ملت مکلف به رعایت آن می‌شوند. لزوم امضای قوانین، ناشی از اصل جدایی قوه مقننه و اجرائیه است. قوه مقننه صلاحیت وضع قانون را دارد؛ ولی نمی‌تواند آن را اجرا کند یا دستوری در این باب بدهد. پس رئیس‌جمهور باید به عنوان رئیس قوه مجریه، فرمان اجرای آن را صادر کند تا قاعده‌ای که اکثریت مجلس به وجود آورده است، کامل و قابل اجرا شود. باید دانست که امضای قانون برای ریاست جمهوری اجباری است و او نمی‌تواند از صدور دستور اجرای آن خودداری کند (اصل ۱۲۳ قانون اساسی). هنگامی باید انتظار اجرای قانون را داشت که مفاد آن منتشر شود و به اطلاع عموم برسد؛ زیرا تا شخص حقوق و تکالیف خود را نداند، چگونه می‌توان او را به لحاظ تخلف از قانون و انجام ندادن وظیفه مسئول دانست؟ به همین دلیل، قانون مدنی در پایان ماده اول اصلاح‌شده مقرر می‌دارد: «روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت، مصوبه را چاپ و منتشر نماید». انتشار قانون، لازمه اجرای آن است و بدین ترتیب مهلت مقرر برای اجرای قانون آغاز می‌شود.

۸-۲-۲. تفاوت در فراگیری و شمول

دین اسلام و قوانین آن، از نظر فراگیری برای همه جهانیان است و هرکسی که در دایره اسلام داخل است، باید قوانین اسلام را اجرا کند و به باید‌ها و نبایدهای آن توجه کرده، به مقدسات آن احترام بگذارد؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا (فتح: ۲۸)؛ اوست

کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند؛ و گواه بودن خدا کفایت می‌کند». و همچنین می‌فرماید: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (نسا: ۷۹)؛ هر چه از خوبی‌ها به تو می‌رسد، از جانب خداست؛ و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از خود توست؛ و تو را به پیامبری برای مردم فرستادیم و گواه بودن خدا بس است». همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس جز اسلام دینی طلبد، شوربختی‌اش محقق و ریسمان سعادتش بریده و به سر درآمدنش سخت خواهد بود و بازگشتش به اندوهی است طولانی و عذابی سخت» (نهج البلاغه، خ ۱۶۱). این خطبه امام با این آیه قرآن مطابقت دارد که می‌فرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران: ۸۵)؛ و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است». این انحصار در پذیرش دین اسلام و نپذیرفتن دین دیگری غیر از اسلام، بیانگر فراگیری جهانی دین اسلام است؛ اما فراگیری قوانین جمهوری اسلامی ایران محدود به حدود سرزمینی ایران است و فراتر از آن پذیرفته نیست؛ حتی در کشورهای اسلامی شیعه، همچون عراق و...

نتیجه‌گیری

نسبت میان قانون و شرع در نظام جمهوری اسلامی ایران همانند نسبت رودخانه‌ای است که از دریا گرفته شده است و چون دریای قوانین شرعی بسیار گسترده و جهان‌شمول است، قوانین جمهوری اسلامی ایران را در بر می‌گیرد و زیربنای هر قانونی می‌شود؛ به این ترتیب، به رغم تفاوت‌های موجود، شالوده قوانین نظام اسلامی برگرفته از دین مبین اسلام و مذهب تشیع است که نمونه‌ای از اجرا و وضع قوانین الهی در حکومت اسلامی است. شرع و قوانین آن، در وضعیت فعلی به دلیل انسداد باب علم، در حوزه اجتهاد قرار گرفته و در این حوزه تلاش‌های فراوانی صورت پذیرفته است تا احکام الهی بر اساس موازین قرآن و سنت، اجماع و عقل بتواند در بهترین حالت ممکن نیازهای شرعی مکلفین را بر اساس وظیفه اصیل هدایت جامعه بشری برطرف کند و با توجه به تقوای الهی و در نظر گرفتن مسائل مستحدثه، قانون دین را برای هر موضوعی استخراج نمایند؛ اما در باب وضعیت قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران، به دلیل گسترش مسائل روز و نیاز به تصویب قوانین جدید، گاهی قوانینی به تصویب می‌رسند که پس از بررسی اجتهادی نیاز به مطابقت آن با دین اسلام است، به همین دلیل، فقهای شورای نگهبان برخی از قوانین را که مجلس برای تأیید به شورای نگهبان ارسال می‌دارد، فاقد شرایط شرعی می‌داند و آنها را برای رفع اشکال و نقص، به مجلس بازمی‌گرداند. با این حال، بعضی از قوانین کارآمدی خود را از دست داده‌اند و به تصویب قوانین جدیدتر نیاز است و در بعضی از قوانین، با بررسی دقیق‌تر، عدم مطابقت آنها با دین اسلام دیده می‌شود که نیاز به اصلاح دارند.

منابع

- آیتی، سید محمدرضا، اسفندیاری بیات، حمزه، ۱۳۸۷، نسبت جرم و گناه در حقوق ایران، پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی، ش اول، ص ۹-۳۶.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۲، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، مترجم محمدرضا انصاری محلاتی، قم، نسیم کوثر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حسینی سیستانی، سیدعلی، ۱۳۹۰، *رساله توضیح المسائل*، تهران، هاتف.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۸، *رساله اجوبه الاستفتانات*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- خوئی، ابوالقاسم، ۱۳۸۰، *توضیح المسائل*، مشهد، رستگار.
- دشتی، محمد، ۱۳۸۵، *نهج البلاغه*، تهران، بی نا.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، آرایه.
- عمید، حسن، ۱۳۶۳، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- غفاری، هدی، ۱۳۹۱، نسبت میان حاکمیت شرع و حاکمیت قانون در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ش ۳۶، ص ۱۰۷-۱۳۲.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- قمی، عباس، ۱۳۸۵، *الدر النظیم فی لغات القرآن العظیم، فرهنگ واژگان قرآن کریم*، مترجم غلامحسین انصاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- قمی، علی بن محمد، ۱۳۷۹، *جامع الخلاف و الوفاق*، قم، انتشارات زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۸۲، *اصول الکافی*، تحقیق محمد باقر بهبودی، علی اکبر غفاری، تهران، منشورات المكتبة الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۳۶۲، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، تحقیق و تعلیق سید جواد علوی، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- معین، محمد، ۱۳۸۷، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، فرهنگ نما کتاب آزاد.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، *بحوث فقهیه مهمه*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- نورایی، مهدی، ۱۳۹۲، *تعدد مراجع قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران*، مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
- نوری همدانی، حسین، ۱۳۸۶، *رساله توضیح المسائل*، تهران، هاتف.
- وحیدخراسانی، حسین، ۱۳۹۱، *رساله توضیح المسائل*، قم، مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام.